

مطالعه جامعه‌شناختی درک بومی سالمندان از توانمندی در جامعه روستایی (مورد مطالعه: روستای لریجان، شهرستان محلات، استان مرکزی)

مهدی طالب^{۱*} و مریم ملائی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۵

چکیده:

به منظور نیل به توسعه محلی، باید به مشارکت تمام افراد اجتماع توجه شود. سالمندان نیز به عنوان بخشی از جامعه، از اهمیت بالایی برخوردارند. به نظر می‌رسد، پیش‌شرط نقش‌آفرینی مؤثر سالمندان در توسعه محلی یک اجتماع، شناخت مؤلفه‌های مؤثر و اتخاذ استراتژی‌های مناسب به منظور ارتقای هرچه بیشتر توانمندی آنان است. در پژوهش حاضر، مقولات ارتقادهنده وضعیت توانمندی سالمندان بررسی شده است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر سالمندان روستای لریجان شهرستان محلات در استان مرکزی بوده‌اند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش تحلیل موضوعی در رویکرد کیفی استفاده شده است. تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات عبارت‌اند از: مشاهده مشارکتی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و روش‌های زمینه‌نویسی. برای تحلیل داده‌ها از کدگذاری و مقوله‌بندی استفاده شده است. به منظور غنای هرچه بیشتر داده‌ها از مجموع ۱۷ مصاحبه انجام‌شده، ۱۲ مصاحبه که بهترین کیفیت را داشته انتخاب و تحلیل شده است. بر اساس نتایج پژوهش، مهم‌ترین عوامل ارتقادهنده و مؤثر در رشد توانمندی سالمندان عبارت‌اند از: سرمایه اطلاعاتی، سلامت و توانایی انجام کار، دارا بودن همسر، سواد و تحصیلات، مشارکت مذهبی، شبکه حمایتی فرزندمحور، شبکه حمایتی خویشاوند- دوست- محور، استقلال فکری و استقلال عملی، قدرت چانه‌زنی و نفوذ کلام، کم‌توقعی و تقدیرگرایی، آموزه‌های فرهنگ روستایی و برخی از موارد دیگر که در ضمن پژوهش بیان شده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، ترکیب و پیوستگی عاملیت و ساختار فرصت در ارتباط با ارتقا یا تضعیف توانمندی، تفکیک‌ناپذیر است. در نتیجه به منظور هرگونه تحلیل و برنامه‌ریزی می‌بایست به این ارتباط دوسویه توجه شود.

کلیدواژه‌ها: توانمندی، سالمندان روستایی، ساختار فرصت، درک بومی، عاملیت.

۱. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران. تهران، ایران. taleb@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

mollaie.maryam@ut.ac.ir

مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است.

مقدمه و بیان مسئله

به منظور حصول به یک توسعه محلی می‌بایست به دنبال نیل به توسعه اجتماعات محلی بود. به بیانی، اجتماعات محلی می‌توانند نقش مهمی را در توسعه محلی ایفا کنند. با توجه به ماهیت جامع توانمندسازی که از مشارکت داوطلبانه تمام اعضا جامعه سرچشمه می‌گیرد (عارفی و تولایی، ۱۳۸۰: ۲۹)؛ بدیهی است نیل به توسعه محلی از طریق توانمندسازی هرچه بیش‌تر اجتماع محلی با کیفیت، سرعت و دقت بیش‌تری تسهیل خواهد شد. نکته‌ای که در این میان ضروری به نظر می‌رسد توجه به تمام اقشار یک اجتماع در فرایند توسعه محلی است؛ امری که شاید در ارتباط با سالمندان در برخی از مواقع به فراموشی سپرده شده است.

با توجه به رشد جمعیت سالمندان در کشور طی دهه‌های اخیر و پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته در ارتباط با ادامه روند این رشد در دهه‌های آتی لزوم توجه به وضعیت سالمندان برای ایفای نقش مؤثر آنان در توسعه ضروری به نظر می‌رسد. آمار حاصل از سرشماری‌های ایران نشان می‌دهد در سال ۱۳۶۵ تعداد افراد ۶۰ ساله و بالاتر حدود ۴/۵ درصد (۲۷ میلیون نفر) بوده، اما در سال ۱۳۹۵ این تعداد به حدود هفت و نیم میلیون نفر رسیده است که ۹/۳ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد (مرکز آمار ایران). شاید توجه به سالمندان در مناطق روستایی، نسبت به مناطق شهری دارای اهمیت بیش‌تری باشد، دلیل این اهمیت آن است که فقر مطالعاتی در زمینه وضعیت سالمندان روستایی، بسیار شدید است. همچنین به صورت کلی امکانات در دسترس سالمندان روستایی از نقاط شهری کمتر بوده و امکان ارتباط آن‌ها با نهادهای گوناگون بسیار کم‌تر است. علاوه بر موارد یاد شده باید به این موضوع هم اشاره کرد که با توجه به روند مهاجرت جوانان از روستاها به شهرها، در بسیاری از نقاط روستایی با سالمندشدن روستاها مواجه‌ایم و بر همین مبنا لزوم توجه به سالمندان در روستاها بیش از پیش ضروری است.

یکی از راهکارهای بهبود وضعیت اقشار آسیب‌پذیر (از جمله سالمندان و روستاییان) برای مشارکت مؤثرتر در توسعه محلی، انجام پروژه‌های توانمندسازی به منظور توانمندکردن هرچه بیش‌تر این قشر درحاشیه است که می‌تواند موجب بهبود وضعیت سالمندان روستایی شود و زمینه نیل به توسعه محلی را تسهیل کند؛ اما اگر تمامی پروژه‌های توانمندسازی، ابزاری جهت ارتقای وضعیت توانمندی افراد تلقی شوند، فهم عوامل مؤثر بر افزایش یا کاهش توانمندی از دید افراد به صورت بومی، عاملی بسیار مهم برای مدیریت زمان و هزینه این پروژه‌ها خواهد بود. مهم‌تر آن که ممکن است گاهی دیدگاه مردم محلی با دیدگاه کارشناسان

تفاوت بسیار اساسی داشته باشد؛ پس در صورتی که درکی از چگونگی دیدگاه گروه هدف فراهم نباشد، امکان کسب نتایج همسو با دیدگاه مردم محلی، عملاً از بین خواهد رفت؛ بنابراین هرگونه تردیدی در اهمیت شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش یا کاهش توانمندی از دیدگاه سالمندان انکارناپذیر خواهد بود. با توجه به این اهمیت، در مطالعه حاضر، به شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش یا کاهش سطح توانمندی سالمندان، توجه و تلاش شده است عوامل مؤثر بر این مفهوم و نیز درک کنشگران اجتماعی یعنی سالمندان از توانمندی بررسی شود؛ بدیهی است درک این نگاه بومی می‌تواند در پیشبرد توسعه محلی مؤثر واقع شود. سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که سالمندان روستایی چه درک و تفسیری از توانمندی دارند و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اصلی مفهوم توانمندی از نگاه این گروه چیست؟ بر این مبنا در مطالعه حاضر تلاش شده است تا به این پرسش اصلی پاسخ داده شود.

پیشینه تحقیق

در این بخش به تعدادی از پژوهش‌های نسبتاً مرتبط با پژوهش حاضر اشاره می‌شود. بیش‌تر پژوهش‌های موجود درباره سالمندان در ارتباط با مواردی است که به صورت غیر مستقیم بر توانمندی اثرگذار است. برای مثال بیش‌تر پژوهش‌های داخلی معطوف به «شبکه اجتماعی، حمایت اجتماعی و حمایت خانوادگی» (محمدی، فکرآزاد و سجادی ۱۳۹۱؛ زائری لطف و امانیان، ۱۳۹۱؛ قورچایی، ۱۳۹۱؛ یزدانیپور و سام آرام، ۱۳۹۰؛ پهلوان‌زاده و جلال‌لهی، ۱۳۹۰؛ علی پور، سجادی، فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۸؛ کوششی، ۱۳۸۷) است که می‌توانند به طرق مختلف بر توانمندی اثرگذار باشند. در برخی از پژوهش‌های عمدتاً خارجی، به طور مستقیم بررسی‌های بیش‌تری درباره «توانمندی و توانمندسازی سالمندان» انجام شده است؛ گرچه تعداد این مطالعات محدود به نظر می‌رسد (آرمادانس، کودینا و پستنا^۱، ۲۰۱۴؛ اوین، تانگ و ازمان^۲، ۲۰۱۳؛ بلود^۳، ۲۰۱۰؛ لام، لای و لی^۴، ۲۰۰۹؛ کامپ و کراسوک^۵، ۲۰۰۷؛ ما و لو^۶، ۲۰۰۶؛ تیلور^۷، ۲۰۰۶؛ پاسوان، پونیا و بالدا^۸، ۲۰۰۵؛ نورشیمای^۹، ۲۰۰۴؛ والتون^{۱۰}، ۲۰۰۲؛

1. Armadans, Immaculada, Nuria Codina & Jose V. Pestana
2. Uyen, Nguyen Thi Tung, Henry Ngun Ceu Thang & Azlinda Azman
3. Blood, Imogen
4. Lam, Kam Lee, Sau Lai & Teresa Lee
5. Kump, Sonja & Sabina Jelenc Krasovec
6. Ma, Yuk Ha & Siu Ching Lo
7. Taylor, Sam
8. Paswan, Suneeta, Shakunta Punia & Shanti Balda
9. Nurshima, Miya
10. Valtonen, Kathleen

گینزبرگ^۱، ۲۰۰۱ و به عنوان مورد آخر، فنگ^۲، ۲۰۰۱). در بیش تر پژوهش‌های مزبور به بومی و درک سالمندان از توانمندی توجه نشده است. همان‌طور که مشخص است تأکید و توجهی بر درک دیدگاه بومی سالمندان در ارتباط با موانع و محرک‌های توانمندی، در مطالعات پیشین دیده نمی‌شود؛ حال آن که در پژوهش حاضر آنچه در مرکز توجه قرار گرفته، دستیابی به فهم و دیدگاهی بومی بوده است. یکی دیگر از وجوه افتراق مطالعه حاضر با مطالعات پیشین، میدان مطالعه است. در پژوهش حاضر سالمندان روستایی، در روستای لریجان شهرستان محلات، مورد بررسی قرار گرفته‌اند، حال آن که در عمده مطالعات مرور شده، از سالمندان روستایی غفلت شده است. یکی دیگر از وجوه افتراق، توجه به عاملیت و ساختار فرصت، همسو با مطالعه آلسوپ و همکاران (۲۰۰۶) است. در این پژوهش این دو مورد به طور همزمان مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ حال آنکه در پژوهش‌های پیشین چنین ترکیب و چندجانبه نگری کم‌تر به چشم می‌خورد.

چارچوب مفهومی

از آنجا که پژوهش حاضر با روش کیفی انجام شده، دارای چارچوب نظری خاصی نیست که بر اساس آن نظریه‌آزمایی انجام شود؛ لیکن تلاش شده است به صورت ضمنی چارچوبی مفهومی داشته و بر اساس آن تحلیل و نتیجه‌گیری انجام شود. رویکرد آلسوپ و همکاران (۲۰۰۶) مورد توجه پژوهشگران بوده است. بر این اساس توانمندی در گرو ارتباط عاملیت و ساختار فرصت در نظر گرفته شده و تلاش شده است تا موانع و محرک‌های توانمندی نیز بر همین اساس تشریح شوند. همان‌گونه که در مطالعه فرضی‌زاده، متوسلی و طالب (۱۳۹۲) به پیروی از مطالعه آلسوپ و همکاران (۲۰۰۶) دیده می‌شود، عاملیت به توانایی کنشگر یا گروه برای انتخاب‌های هدفمند اطلاق می‌شود و ساختار فرصت آن چیزی است که زمینه این انتخاب‌ها را فراهم کرده و محدودیت‌ها و قیدهایی را بر این انتخاب‌ها وارد می‌کند. اگر عاملیت، ترکیبی از انواع سرمایه‌های گوناگون اعم از سرمایه مادی، مالی، اجتماعی، روان‌شناختی، اطلاعاتی، سازمانی، انسانی در نظر گرفته شود، آنگاه باید به این نکته توجه کرد که صرف برخورداری از این سرمایه‌ها امکان توانمندی را برای افراد فراهم نمی‌کند، چرا که عاملیت همواره تحت تأثیر ساختار فرصت، شامل باورها، قوانین، عرف‌ها و سایر موارد این چنینی، قرار می‌گیرد. درک ارتباط عاملیت و ساختار اجتماعی می‌تواند به عنوان نقطه کانونی

1. Ginsberg, Barbara R
2. Fenge, Lee-Ann

مهمی برای زندگی سالمندان در نظر گرفته شود (دانفر^۱، سترستون^۲ و گانون^۳). به زعم سترسن و گانون الگوهایی از عامل در درون ساختار قابل شرح خواهد بود. الگوهایی که به دنبال درک نحوه تعیین هدف، انجام اقدامات و خلق معانی توسط افراد در درون شاخص‌های تنظیمات اجتماعی و حتی نحوه تغییر این موارد از طریق اقدامات افراد است (جویک و مک مولین^۴، ۱۳۹۴: ۳۸).

روش تحقیق

روش مورد استفاده در مطالعه حاضر «تحلیل موضوعی»^۵ بوده است. تحلیل موضوعی روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک^۶، ۲۰۰۶: ۸۲-۷۹). تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده در مطالعه عبارت‌اند از: مشاهده مشارکتی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و روش‌های زمینه‌نویسی. به منظور تحلیل داده‌ها از کدگذاری و مقوله‌بندی استفاده شده است.

همان‌طور که ارلاتدسون (۱۹۹۳) و هامرسلی (۱۹۹۷) بیان کرده‌اند بر اساس منطق نمونه-گیری کیفی و معیار اشباع نظری، در پژوهش‌های کیفی نمی‌توان از ابتدا به طور مشخص در مورد تعداد افراد مورد مصاحبه دست به پیش‌بینی زد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۴۰). در مطالعه حاضر برای نمونه‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند-نظری استفاده شده است. از شیوه هدفمند برای گزینش افراد مورد مطالعه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (گلیسر و دیگران، ۱۹۶۷؛ جانسون، ۱۹۸۹ به نقل از محمدپور، ۱۳۸۶). از میان جمعیت ۷۳ نفری افراد ۶۵ سال به بالای روستای لریجان با ۱۷ نفر مصاحبه شد که از این تعداد ۱۰ نفر زن و ۷ نفر مرد بودند؛ به دلیل اهمیت قوت و غنای داده‌های حاصل‌شده، تصمیم بر آن شد تا از این میان، ۱۲ مصاحبه (۶ زن و ۶ مرد) که از قوت و غنای بیشتری برخوردار بودند، مورد اتکا قرار گیرد. با توجه به همگن بودن جامعه آماری از نظر بسیاری از متغیرهای زمینه‌ای و ساختاری، رسیدن به اشباع نظری با این

-
1. Dannefer
 2. Settersten
 3. Gannon
 4. Jovic and Mc Mullin
 5. thematic analysis
 6. Braun & Clarke

تعداد از افراد محقق شد. در مجموع در این مقاله، ۵ مقوله اصلی و ۱۶ زیرمقوله از مجموع ۸۶ مفهوم غیر تکراری استخراج شده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر با تأکید بر مقولات مستخرج از مفاهیم موجود تشریح خواهد شد؛ در بخش زیر نگاهی بر مقولات اصلی و زیر مقوله‌های حاصل شده خواهیم داشت.

سرمایه اطلاعاتی^۱:

مقصود از مقوله سرمایه اطلاعاتی، میزان آگاهی افراد از اخبار و جریانات است. این اخبار و جریانات می‌توانند در مورد موضوعات مختلف باشند و از سطح روستا تا سطوح بالاتر مثل شهر و کشور و حتی جهان را در بر گیرد. در مورد این مقوله بر اساس گزاره‌ها و مفاهیم موجود، سه زیرمقوله اصلی حاصل شد: «سرمایه اطلاعاتی مبتنی بر جنسیت»، «سرمایه اطلاعاتی گسترده» و «سرمایه اطلاعاتی اندک».

دسترسی اندک به سرمایه اطلاعاتی آن چیزی است که در بین هر دو گروه زنان و مردان سالخورده به چشم می‌خورد. یکی از دلایل سرمایه اطلاعاتی اندک عدم برخورداری این گروه از میزان سواد و تحصیلات لازم است. عمده افراد مورد مصاحبه و مشارکت‌کننده در مطالعه حاضر بی‌سواد بوده و به بیان خود توانایی مطالعه روزنامه و یا درک معنای اخبار صدا و سیما را ندارند. این عامل سبب عدم استقبال عمده این افراد از این دو منبع است. در نتیجه این مسئله، آنچه بیش‌تر در جریان است، رد و بدل کردن اطلاعات به صورت سینه به سینه است؛ بدیهی است این اقدام، امکان نیل به اطلاعات موثق و رسمی را کاهش می‌دهد.

در بین گروه سالخوردگان به پل و پا (جوان)^۲، فقر اطلاعات، از شدت کمتری برخوردار است. در بیانی دیگر اطلاع سالخوردگان این گروه حتی از اخبار و اطلاعات موجود در سطح کشور نیز به مقدار قابل توجهی درخور توجه بود^۳. دلیل آن را می‌توان تلقی فرزندان جوان به

1. informational capital

۲. در میدان مطالعه حاضر با توجه به پاسخ‌های کسب شده، سالمندان به دو گروه سالمندان به پل و پا (جوان) (حدوداً در سنین ۶۵ تا ۷۰ سال) و سالمندان از پل و پا افتاده (پیر) (حدوداً از ۷۰ سال به بالا) تقسیم شده‌اند. انتخاب این واژه‌ها مبتنی بر ارجحیت دیدگاه نگارندگان بر استفاده از الفاظ اجتماع محلی بوده است. در دیدگاه مردم محلی دقیقاً این نوع از تقسیم‌بندی بر اساس میزان توانایی در ارتباط با سن کاملاً رؤیت می‌شود و الفاظ مورد استفاده آن‌ها نیز همین الفاظ است.

۳. در طول اقامت در منزل یکی از روستاییان مشاهده شد همه اعضای خانواده هر شب به اخبار شبانگهی ساعت ۲۱ را گوش می‌کنند، فرزندان این خانواده هر سه دارای مدرک کارشناسی بوده و در حین پخش اخبار به تحلیل و تشریح آن برای والدین که هر دو در گروه سالخوردگان جوان قرار داشتند می‌پرداختند (مشاهده).

عنوان واسطه‌ای برای تشریح و توضیح اخبار (روزنامه و تلویزیون) دانست. در بین مردان نیز نسبت به زنان سرمایه اطلاعاتی بیش‌تری به چشم می‌خورد. دلیل این مسئله، حلقه ارتباطی تنگاتنگ مردان در قالب تجمع روزانه با یکدیگر و تعامل پایدار و مداوم ایشان است. این تجمع روزانه امکان گفت و شنود در باب اخبار را بین اعضای گروه فراهم می‌کند.

مرد سالخورده ۸۱ ساله، با سواد نهضت سوادآموزی، در این مورد می‌گوید: «جمع می‌شیم دور هم هرکی هرچی بدونه به بقیه میگه... دستمون میاد چی به چیه» (سرمایه اطلاعاتی گسترده)؛ مرد سالخورده ۸۱ ساله بی‌سواد، در این باره چنین می‌گوید: «سواد درست حسابی نداریم، اصلاً نمی‌فهمیم این اخبار و روزنامه چی چی میگه» (سرمایه اطلاعاتی اندک).

زن سالخورده ۶۵ ساله که دارای سواد نهضت سوادآموزی است، در مورد اهمیت انتقال اطلاعات به واسطه نسل جوان چنین می‌گوید: «فهمیه (دختر مصاحبه شونده) هر از گاهی میشینه واسه من و باباش از خبر و اخباری که تو دانشگاه یادشون میدن میگه» (سرمایه اطلاعاتی گسترده)؛ همچنین زن سالمند دیگری با ۶۵ سال سن و دارای سواد نهضت آموزی و همچنین فرزندان جوان می‌گوید: «بچه‌ها حالا دیگه از ما بیش‌تر سرشون میشه چی به چی هست، پای تلویزیون که می‌شینیم واسه ما هم می‌گن چی چی می‌گه» (سرمایه اطلاعاتی گسترده)؛ مرد سالخورده ۸۳ ساله در مورد اجتماعاتی که مردان سالخورده در روستا دارند و به واسطه آن تبادل اطلاعات می‌کنند، می‌گوید: «هر روز بیش‌تر نزدیک غروب میرم پای دیوار، یه ده بیست نفری جمع میشیم، کم و زیاد، هرکی هرچی بدونه به بقیه میگه». (سرمایه اطلاعاتی مبتنی بر جنسیت).

سرمایه انسانی^۱:

مقصود از سرمایه انسانی آن است که افراد به عنوان دارایی و یک منبع مهم دیده شوند و توانایی‌ها، مهارت‌ها و دانش آنان به عنوان یک سرمایه دیده شود. در پژوهش حاضر زیرمقوله‌های این مورد حاصل از داده‌های مختلف عبارت‌اند از: «توانایی سلامت محور» و «ارزش ذاتی و کارکردی سواد و دانایی».

یکی از عوامل تأثیرگذار بر وضعیت سرمایه انسانی، در وضعیت سلامت و توانایی انجام کار خلاصه می‌شود. این مقوله در ارتباط با مفاهیمی چون تمایل به حفظ عزت نفس و ارزشمندی کار به ذات، با بیش‌ترین تکرار در میان مفاهیم، قابل شرح و بسط است. اساساً تمایل به حفظ عزت نفس آن چیزی است که سالخورده‌گان روستای مذکور در قالب عبارات متعددی از آن یاد کردند. از آنجا که حفظ سلامتی و توانایی انجام کار از مؤلفه‌های اساسی تأمین این نیاز است، باید ارتباط آن با این مقوله مورد تدقیق قرار داده شود. از طرف دیگر کار ارزشمندترین عنصر ذاتی برای اعتلای وجود افراد سالخورده این روستا به نظر می‌رسد. به طوری که حتی افرادی که از توانایی جسمی لازم برای درست راه رفتن برخوردار نیستند، به شدت تمایل خود را به منظور بر عهده گرفتن کاری متناسب با وضعیت سلامت خود بیان می‌کردند. جالب آن که به نظر می‌رسد ارزش ذاتی کار تا جایی است که صرف انجام فعالیت، بدون دریافت حقوق، نیز برای آنان قانع‌کننده به نظر می‌رسید.

مرد ۸۳ ساله در این مورد می‌گوید: «به کول هیچکی نیستم خدا رو شکر» و «دوست ندارم خیلی عمر کنم چون می‌ترسم از دست و پا بیفتم»؛ زن سالخورده ۷۶ ساله نیز در مورد اهمیت سلامتی و نقش آن در توانایی انجام کار چنین می‌گوید: «از صبح تا شب بیکاریم، آدم بیکار هرز میشه، ول میشه، کار آدمو ورزیده میکنه»؛ یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان، مرد ۸۵ ساله در این باره می‌گوید: «تیغم برای خودمم نمبیره، از پا افتادم و دیگه جون کار ندارم، اما آدم به کار زنده است، تو این حیاط خودم رو سرگرم میکنم به این چهار تا درخت» (توانایی سلامت محور).

در باب وضعیت سلامت آنچه در بین هر دو گروه زنان و مردان مشترک است، دسترسی حداقلی به تجهیزات و امکانات پزشکی و مراجعه حداقلی به مراکز درمانی معتبر است؛ به‌رغم این وجه تشابه لازم است به تفاوت موجود میان این دو جنس اشاره کرد. زنان به کنترل وضعیت سلامت خود بیش از مردان توجه می‌کنند. چرا که مراجعه بیش‌تری به پزشک و مراکز

1. human capital

درمانی دارند. این مسئله شاید یکی از علل پدیده زنازه‌شدن سالخوردگی در روستای حاضر باشد که در شرایط فعلی با اختلاف ۱۵ درصدی نسبت به مردان کاملاً قابل رؤیت بوده و در صورت عدم اتخاذ تدابیر مناسب در سال‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت.

زن سالمند ۶۵ ساله در این مورد چنین می‌گوید: «زحمت زن‌ها کم نیست، به پنجاه سالگی نرسیده هرکی یه مریضی پیدا میکنه، بیمارستان درست و درمون که نداریم، باز بهیار تو بهداشت همین‌جا میاد بد نیست، با همسایه‌ها پشت هم میریم و میایم پیشش، اما زورم به این شوهره نمیره».

در مورد سواد و دانایی باید گفت مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر یا تماماً بی‌سواد بوده و یا دارای سواد قرآنی، سواد ریاضی و تعداد اندکی نیز دارای تحصیلات نهضت سوادآموزی (چند کلاس نهضت) بودند. بر اساس مصاحبه‌های صورت‌گرفته، ارزش ذاتی سواد و دانایی به عنوان یک مقوله از بین مفاهیم موجود، استخراج شد. جالب آنکه در بخش ساختار فرصت موجود ذکر این نکته اساسی است آموزه‌های دینی نقش مهمی در ایجاد این ارزش ذاتی در باور افراد ایفا می‌کنند. علاوه بر این ارزش ذاتی، سواد کارکرد ابزاری نیز دارد؛ به این معنا که سبب افزایش حس خودباوری و اعتماد به نفس شده و در کسب منزلت و جایگاه اجتماعی برای افراد نیز نقش مهمی بر عهده دارد. در زیر به چند نمونه از نقل قول‌های مرتبط با این زیر مقوله اشاره می‌شود: زن ۶۹ ساله بی‌سواد: «پیامبر گفته که ز گهواره تا گور دانش بجوی»؛ مرد ۶۵ ساله بی‌سواد: «اگه بارت باشه، سواد درست و حسابی داشته باشی حرفت برو داره و سری میون سرا میتونی بلند کنی» (ارزش ذاتی و کارکردی سواد و دانایی).

سرمایه اقتصادی^۱:

سرمایه اقتصادی شامل سرمایه مادی و مالی در پژوهش حاضر دو زیرمقوله اصلی دارد که عبارت‌اند از: «مالکیت و استقلال مالی» و «سرمایه منتج از ارث». در مورد این زیرمقوله‌ها زن ۶۵ ساله می‌گوید: «هیچی به نام خودم ندارم، همه چی از شوهرمه، اصلش هم همینه، مرد سالار زندگیه»؛ همچنین مرد ۸۵ ساله هم در همین مورد می‌گوید: «مردا از حساب و کتاب

سر در میان، بازار و این طرف و اون طرف میرن، زن‌ها چیزی از مادیات نمی‌دونند» (مالکیت و استقلال مالی).

مقوله‌های مأخوذ از مفاهیم مرتبط با این نوع از سرمایه، بین زنان و مردان تفاوت زیادی دارد؛ بر این اساس در بین زنان فقدان مالکیت و استقلال مالی دیده می‌شود و در مقابل مالکیت و استقلال مالی مردان را می‌توان از بین مفاهیم موجود استخراج کرد. آنچه در ارتباط با مقولات ذکر شده به ذهن متبادر می‌شود ارتباط این مقولات، با ساختار فرصت ذکر شده یعنی مردسالاری است. به این معنا که اساساً به دلیل تلقی مرد به عنوان پشتیبان اقتصادی زن، زن خود را شدیداً به آن وابسته می‌داند و وجود وی را به عنوان «مهم‌ترین دارایی خود» تلقی می‌کند.^۱

یکی از مواردی که در وضعیت سرمایه مالی و مادی افراد تأثیرگذار است، به ارث رسیدن پول یا سرمایه به افراد است. مقوله مرتبط با این بحث «سرمایه منتج از ارث» است. نکته‌ای که در این میان حائز توجه است؛ ارتباط این مقوله با سرمایه اطلاعاتی اندک و غیر موثق است. چرا که برخی مصاحبه‌شوندگان به دلیل سرمایه اطلاعاتی اندک در باب سازوکارهای قانونی تقسیم ارث، نتوانسته‌اند حقوق خویش را احقاق کنند و یا به دلیل طاقت-فرسا دانستن مجاری قانونی، به صورت توافقی و غیر رسمی به تقسیم ارث اقدام کرده و معتقدند چیزی کمتر از میزان سهمشان دریافت کرده‌اند. نکته‌ای که در ضمن ساختارهای موجود در این مقوله اثرگذار است این است که به دلیل مردسالاری و پسر سالاری، سهم فرزندان دختر مورد اجحاف واقع شده و یا اساساً در هنگام تقسیم ارث توجه کم‌تری به حقوق ایشان می‌شود. در ارتباط با این مقوله، ارزش‌گذاری بیش‌تر دین به فرزند پسر (در ارتباط با قانون ارث) در باور ایشان که در ذیل ساختار فرصت قرار می‌گیرد، چیزی است که هسته اصلی دید سالخورده‌گان (و تمام افراد دیگر) برای این مقوله را شکل داده و به وسیله این مفهوم به توجیه و اقناع دیدگاه خود دست می‌زنند.

زن ۸۰ ساله می‌گوید: «انقدر مال و اموال بابام داشت که بین خواستگارهام دعوا می‌شد. داداش‌هام همه رو بردن، بالاخره پسر بودن دیگه... الان خونه‌ام از خودم ندارم، پیش پسر زندگی می‌کنم»؛ «اون موقعی که می‌خواستیم ارث بابامون رو تقسیم کنیم برادرم که

۱. البته «وجود عقاید قالبی در ارتباط با زنان بیوه» نیز در این مفهوم سهمی اساسی دارد که به دلیل عدم ارتباط آن با مقولات مورد نظر در اینجا، از ذکر آن صرف نظر شده است.

شهر زندگی می‌کنه بلد بود چه کنه، ما چیزی بلد نبودیم و سر ما رو کلاه گذاشت، تو روستا کسی خبر از چه کنیم و چه نکنیم نداشت» (سرمایه منتج از ارث).

سرمایه اجتماعی:

سرمایه اجتماعی که در بردارنده مفاهیمی چون روابط و ساختار روابط، تعاملات اجتماعی، اعتماد بین افراد و سایر موارد مشابه است در یافته‌های مطالعه حاضر نقشی بسیار کلیدی دارد؛ به گونه‌ای که زیرمقوله‌های آن، نقشی بسیار اساسی در توانمندی سالخوردگان روستا دارد. مهم‌ترین این زیر مقولات عبارت‌اند از: «شبکه حمایتی فرزندمحور»، «نزدیکی فاصله مکانی نسبت به والدین»، «شبکه حمایتی خویشاوند- دوست‌محور» و «مشارکت».

شبکه حمایتی سالخوردگان روستای مذکور عمدتاً فرزندمحور است. در این میان فرزندان پسر با غلبه «حمایت اقتصادی» و فرزند دختر با غلبه «حمایت عاطفی»، سالخوردگان را مورد حمایت قرار می‌دهند. با این حال؛ به نظر می‌رسد فرزند پسر منبع حمایتی اصلی والدین محسوب می‌شود. دلیل این چیرگی در اصطلاح بومیان «قوی‌تر بودن»، «از خود اختیار داشتن» و «توانایی استقلال عمل فرزندان پسر» بیان شد، در حالی که اختیارات فرزند دختر تحت تأثیر همسر خویش بوده و می‌بایست با رأی و نظر همسر خویش میزان خدمت و حمایت خویش نسبت به والدین را ارائه کند. بدیهی است این مورد پیوند تنگاتنگی با ساختار مؤید پسرسالاری دارد.

زن ۶۹ ساله در این مورد می‌گوید: «هرکی که تو آبادی باشه بچه هاش هواشو دارن، یکی بخواد توجه پدر و مادرش نکنه همه چپ نگاهش می‌کنن و تحویلش نمی‌گیرن... اینجا هنوز پیرها یه نیمچه احترامی دارن». (شبکه حمایتی فرزندمحور)؛ زن ۶۵ ساله نیز می‌گوید: «هم از دخترام راضی‌ام هم از پسرانم، دخترا از خودشون اراده ندارن، هر وقت شوهره اجازه بده می‌تونن بیان و برن و کمک کنن» (شبکه حمایتی فرزندمحور).

زیر مقوله «نزدیکی فاصله مکانی نسبت به والدین» توانسته است اهمیت جنسیت فرزندان در میزان حمایت ارائه‌شده را برهم زند؛ به طوری که اگر میزان فاصله فرزند دختر و پسر از مسکن والدین تقریباً یکسان باشد، فرزند پسر هنوز هم حامی اصلی تلقی می‌شود؛ اما فرزند مجرد در خانه، فارغ از جنسیت، نسبت به سایر فرزندان در ارجحیت حمایتی برای والدین قرار دارد. به این معنا که حتی اگر فرزند مجرد در خانه، دختر باشد، می‌تواند فارغ از جنسیت سایر فرزندان؛ حامی و پشتیبان اصلی والدین تلقی شود.

مرد ۷۰ ساله در این مورد می‌گوید: «دخترم و هنوز بیرون نکردم، سی سالش بیشتره، همه کارای من و زنم با اونه... از پسر ام هم راضی هستم، ولی بالاخره زن و بچه خودشون رو دارن، اونقدری که این دختره خدمتم میکنه، اونای دیگه نمی‌کنن» (نزدیکی فاصله مکانی نسبت به والدین).

شبکه حمایتی خویشاوند- دوست محور با غلبه بیشتر در بین مردان سالخورده و با میزان کمتری در بین زنان سالخورده قابل رؤیت بود. همچنین حمایت عاطفی و خدماتی (کالایی) کارکرد شبکه حمایتی زنان و در مقابل حمایت عاطفی و اقتصادی (به صورت نقدی) کارکرد شبکه حمایتی مردان است. دلیل غلبه مردان در این زمینه را می‌توان در تجمع روزانه مردان به صورت متوالی و برقراری تعامل روزانه به صورت پیوسته در مکان و زمان مشخص دانست. این مسئله سبب تشکل و سامان‌یافتگی برای تشدید سرمایه اجتماعی میان ایشان می‌شود.^۱ نکته‌ای که در همین میان قابل توجه و تدقیق نظر است، ارتباط دو مقوله حاضر با سرمایه مالی و مادی است. به این معنا که مالکیت و استقلال مالی و مادی مردان سبب گسترش اختیار عمل مردان در حیطه مسائل مربوط به دخل و خرج و امکان قرض دادن این گروه به یکدیگر را کاملاً فراهم کرده است، حال آنکه به هیچ عنوان در بین زنان چنین موردی مشاهده نمی‌شود.

مرد ۸۱ ساله چنین می‌گوید: «خیلی از این در و همسایه که دائم هوای همدیگه رو داریم فامیل ما هستند خیلی نسبت دوری داریم»؛ مرد ۷۰ ساله نیز می‌گوید: «روزی یک بار هم و می‌بینیم پای همین دیوار، کسی مشکلی داشته باشه تو دلش نمی‌مونه»؛ زن ۶۵ ساله نیز در مورد عدم امکان حمایت اقتصادی در شبکه خویشاوند دوست محور چنین می‌گوید: «پول زن و مردش می‌ده، با اجازه شوهرت باید خرج کنی... آشنات هم که باشه باید حساب و کتابش رو به شوهرت پس بدی»؛ «گاهی وقتی جنسی واسه ساخت غذا بهم میدیم، پای درد و دل هم می‌شینیم. بی‌کس نمی‌مونیم» (شبکه حمایتی خویشاوند- دوست محور).

در مورد زیرمقوله مشارکت باید گفت نهادینه‌نشدن فرهنگ مشارکت در امور مربوط به مدیریت، اداره و آسیب‌شناسی آن چیزی است که به وضوح در بین سالخوردگان روستا قابل مشاهده است. به این معنا که اساساً هرگونه مشارکت در هر سطحی (از پیشنهاد تا اجرا و ارزشیابی)، در بین تمام افراد مورد مصاحبه با قطعیت مردود شمرده می‌شود. در اصل هیچ‌گونه

۱. «مردان هر روز به مدت طولانی بدون توجه به فصل در مکان مشخصی با تعداد کثیر و عمدتاً ثابت گرد هم می‌آیند» (مشاهده).

ارتباطی میان نهادهای محلی موجود و سالخوردگان دیده نمی‌شود. در صورت نیازمندی به هر دلیلی مراجعات پراکنده و سازمان‌دهی نشده‌ای عمدتاً به صورت واسطه‌ای (از طریق واسطه قرار دادن نسل جوان‌تر) به نهادهای موجود صورت می‌پذیرد؛ اما به طوری کلی هیچ یک از افراد مورد مطالعه ارتباط تنگاتنگ، سازمان‌یافته یا حتی پراکنده با این نهادها ندارند. دلیل اصلی این امر از زبان ایشان را می‌توان در عدم کفایت لازم مسئولان این نهادها، جوان بودن ایشان و بی‌اعتمادی نسبت به توجه به خواسته‌های ایشان دانست.

مرد ۸۱ ساله در اینباره چنین می‌گوید: «اینا جوون هستن، راه و رسم شورا رو بلد نیستن... کاری ندارم که بخوام برم پیششون... اول جیب خودشون رو پر میکنن بعد نگاه ما میکنن» (مشارکت).

تنها مشارکت رؤیت‌شده در قالب مشارکت مذهبی قابل بررسی است. به این معنا که مشارکت مذهبی برای سالخوردگان دارای ارزش ذاتی است و به دلیل ارزش‌گذاری به مناسک و مراسم دینی-اسلامی، سعی دارند تا در حد توان در این زمینه مشارکت لازم را داشته باشند. موارد اثرگذار در سطح مشارکت دیده‌شده، عبارت‌اند از توان مالی و جسمی. به این معنا که می‌توان طیف مشارکت را در مراحل روبرو خلاصه کرد: صرف حضور فرد، کمک نقدی و غیر نقدی، بر عهده گرفتن وظیفه اجرایی در مراسم همگانی روستا، بر عهده گرفتن وظیفه اجرایی در مراسم شخصی و خانوادگی. باید گفت این مقوله با سرمایه روان‌شناختی ارتباط دارد؛ به این معنا که مشارکت مذهبی سبب کسب احساس آرامش، رضایت و امنیت خاطر در بین سالخوردگان می‌شود، که کاملاً در ضمن سرمایه روان‌شناختی قابل بسط و بررسی است. نقل قول‌های متعددی در این زمینه دیده می‌شود؛ مثلاً زن ۷۶ ساله می‌گوید: «اگه فقط به دونه سنگ ریزه هم به نیت امام حسین از برنج پاک کنی ثوابت رو بردی و اجرت و میگیری... هرکی هرچی ازش بریاد کمک میکنه و اون دنیاش رو میخره» (مشارکت).

سرمایه روان‌شناختی^{۲۱}:

سرمایه روان‌شناختی می‌تواند از طرق مختلف در زمینه توانمندی اثرگذار باشد؛ ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مرتبط با وجه روان‌شناختی افراد می‌تواند به مثابه منبعی غنی تلقی شود و احساس

1. psychological capital

^۲ . این مفهوم از منبع زیر اخذ شده است: جعفری، اصغر، حسامپور، فاطمه (۱۳۹۶)؛ پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس ابعاد هوش

معنوی و سرمایه روان‌شناختی در سالمندان، مجله سالمندی ایران، ۱۳۹۶؛ ۱۲ (۱): ۱۰۳-۹۰

توانمندی آنان را بالا برد. زیر مقوله‌های این مقوله عبارت‌اند از: «استقلال فکری و عملی»، «قدرت چانه‌زنی و نفوذ کلام^۱»، «احساس رضایت، آرامش و امنیت خاطر»، «اعتماد به نفس» و «سرمایه منزلتی».

در باب قدرت تصمیم‌گیری و قدرت عمل بر طبق تصمیم‌های اعمال‌شده به نظر می‌رسد میان سالخورده‌گان جوان و سالخورده‌گان پیر اختلاف به چشم می‌خورد. سالخورده‌گان جوان برای تصمیم‌گیری استقلال فکری دارند. حال آن که سالخورده‌گان پیر عمدتاً استقلال فکری دارند ولی فاقد استقلال عمل‌اند. در نتیجه آنان فرزندان خود را به صورت واسطه‌ای برای تحقق بخشیدن به افکار و تصمیم‌های اتخاذشده در نظر می‌گیرند. همین مقوله سبب اهمیت موضوع اعتماد به نفس در بین این گروه می‌شود؛ سالخورده‌گان جوان به دلیل همراهی استقلال تصمیم‌گیری و استقلال عمل، توانمندی خود را در درجه بالایی دیده و در نتیجه اعتماد به نفس بیشتری دارند. در حالی که سالخورده‌گان پیر به دلیل فقدان استقلال عمل، ضعف بیش‌تری در توانمندی خود دیده و در نتیجه این ضعف اعتماد به نفس کم‌تری دارند.

زن ۸۲ ساله در این باره می‌گوید: «اونوقتی که جوون‌تر بودم به هیچکی نمی‌گفتم چه فکری دارم، میرفتم و خودم پی‌اش رو میگرفتم... الان ازم برنمیداد، چیزی تو فکرم بیاد به بچه‌هام باید بگم و اونا پی‌اش رو بگیرن» (استقلال فکری و عملی).

در مورد «قدرت چانه‌زنی و نفوذ کلام» باید گفت به دلیل ارزش‌گذاری فرهنگ روستایی به جایگاه سالخورده‌گان، باور و هنجارهای موجود تماماً به نحوی است که لزوم حفظ احترام و ادب را نسبت به سالخورده‌گان ایجاب می‌کند. بدیهی است که این عامل را می‌توان در بخش ساختار فرصت و در ضمن نهادهای غیر رسمی در نظر گرفت که در این‌جا دارای نتیجه مثبت به نفع سالخورده‌گان است. در همین‌جا لازم است به بحث تبعیض سنی اشاره شود. در روستای لریجان تبعیض سنی به هیچ عنوان دیده نشد و سالخورده‌گان در ذیل گزاره‌های گوناگون بر این موضوع تأکید کرده و آن را متذکر شدند. در نتیجه این باورها و ارزش‌گذاری به سالخورده‌گان، تمام مصاحبه‌شوندگان خود را دارای قدرت نفوذ کلام می‌دانستند. البته سطوح مختلفی برای این مقوله دیده شد که عبارت‌اند از: قدرت چانه‌زنی و نفوذ کلام در بین فرزندان؛ قدرت چانه‌زنی و نفوذ کلام در بین شبکه خویشاوند- دوست‌محور، قدرت چانه‌زنی و نفوذ کلام در محیط روستا، قدرت چانه‌زنی و نفوذ کلام در اجتماع فرا محلی.

۱. قدرت چانه‌زنی و نفوذ کلام در محیط روستا عمدتاً تحت تأثیر ساختار فرصت و در گروه نهادهای غیر رسمی از جمله باورهای مرتبط با مردسالاری در ارتباط با مسئله جنسیت به نفع مردان است. به طوری که به صورت کلی افراد معتمد، مطلع، ریش‌سفید، میانجی‌گر روستا در حل اختلافات، مردان سالخورده روستا به شمار می‌روند.

در مورد این زیر مقوله زن ۹۱ ساله می‌گوید: «این‌جا هنوز مثل شهر نشده، بالاخره رسم و رسوم یک جوری هست که برا حرف بزرگ‌ترا تره خورد می‌کنند»؛ زن ۶۵ ساله نیز در مورد اهمیت سواد برای قدرت نفوذ کلام می‌گوید: «هرکی سوادش بیش‌تره، بیش‌تر میدونه چی به چیه حرفش بیش‌تر خریدار داره»؛ مرد ۶۵ ساله در مورد این موضوع می‌گوید: «حاج یوسف معتمد ماست، همین الانش هم قاضی و دادگاه حرفشو میخونن، قبلا رئیس شورا بوده از همه‌چی سر در میاره ...» (قدرت چانه‌زنی و نفوذ کلام).

احساس رضایت، آرامش و امنیت خاطر در بین سالخوردگان با مقولات و مفاهیم مختلفی در ارتباط بود. این موارد عبارت‌اند از: مجاورت مکانی با خویشاوندان در شبکه خویشاوندی؛ احساس رضایت، آرامش و امنیت ناشی از وضعیت سلامتی؛ وجود شبکه حمایتی فرزندمحور؛ کم‌توقعی نسبت به آرزوها و خواسته‌ها؛ تقدیرگرایی؛ دارا بودن همسر (متاهل بودن)^۱. به دلیل زیاد بودن گزاره‌های مرتبط با این زیر مقوله از ذکر نقل قول‌ها خودداری می‌شود.

زیر مقوله «اعتماد به نفس» کاملاً تحت تأثیر برخی از موارد ذکر شده مانند توانایی سلامت محور، سواد، قدرت تصمیم‌گیری و قدرت عمل، قدرت چانه‌زنی و نفوذ کلام. زن ۶۵ ساله در این مورد می‌گوید: «اگه سرپا باشی و حرفت برو داشته باشه خودت و قبول داری»؛ «یه جزئی سواد دارم، بالاخره سواد که داشته باشی سرتر هستی به بقیه» (اعتماد به نفس).

۱. این مورد را می‌توان به عنوان مقوله متنی از بوم یاد کرد که در ذیل عاملیت و خارج از سرمایه‌های رایج قابل تقسیم‌بندی خواهد بود. سالخوردگان در هر دو گروه زن و مرد دارا بودن همسر را یک مؤلفه بسیار مهم و تعیین‌کننده جهت نبل به بسیاری از موارد می‌دانستند. شاید بتوان این مورد را در ارزش‌گذاری ذاتی ازدواج در افکار ایشان و نقش همسر در جلوگیری از تنهایی دانست؛ اما در این میان تفاوت قابل توجهی به چشم می‌خورد، به این معنا که تأکید زنان بر لزوم داشتن تأهل و وجود همسر در پی غلبه تفکرات و باورهای موجود در جامعه که در ضمن ساختار فرصت قابل بررسی است، با مردان تفاوت دارد. تأکید زنان بر داشتن همسر علاوه بر موارد بیان شده، بیش‌تر در گرو وجود باورهای نادرست و عقاید قالبی درباره زنان بیوه و هم‌چنین تلقی شوهر به عنوان پشتیبان اقتصادی و تمام‌داری‌های یک زن دیده می‌شود. جالب آن که باورهای این‌چنینی هم در بین گروه زنان درباره خودشان و هم در بین گروه مردان درباره زنان مشاهده می‌شود. یکی دیگر از عواملی که بر شدت این باور در بین افراد دامن می‌زند، مدیریت اقتصادی خانواده است که همواره بر عهده مرد است، وی نان‌آور است و دخل و خرج زیر نظر اوست در نتیجه حضور وی اطمینان‌خاطری برای امنیت اقتصادی زنان است؛ اما آنچه در بین مردان لزوم داشتن همسر را توجیه می‌کند همان دو مورد مشترک یعنی ارزش‌گذاری ذاتی به ازدواج و مهم‌تر از آن جلوگیری از احساس تنهایی است. چرایی این تفاوت بار دیگر به صورت موجز و خلاصه شرح داده خواهد شد. وجود مرد در روستای حاضر به دلیل ساختار موجود برای زنان دارای اهمیت درخور توجهی است؛ اما وجود زن، برای مردان بیش‌تر در جلوگیری از تنهایی اثرگذار بوده و ارتباطی به ساختار فرصت موجود ندارد. «تا وقتی حاج خانوم زنده بود جفت هم بودیم، یه وقتی بگو مگو می‌کردیم یه وقتی هم نه ولی هرچی بود از الان که انقدر تنها شدم خیلی بهتر بود اوضاعم... شاید دارم امتحان پس میدم و هنوز باید صبر کنم» (کد ۹). «غم و غصه و تنهایی که امون رو برید از یک طرف داغونم میکرد، حرفای بقیه هم از یه طرف دیگه... ای‌شالله سایه مردت همیشه به سرت باشه به حق علی» (کد ۱).

سرمایه منزلتی از تأکید سالخوردگان بر گزاره‌های مرتبط با مقولات مختلف قابل اخذ بود. به این معنا که صرف داشتن منزلت، شأن، جایگاه، عزت نفس، تمایز و سایر موارد مشابه برای سالخوردگان به عنوان یک ارزش و دارایی تلقی می‌شد. در نتیجه محقق بر آن شد مقولات مرتبط با این نوع سرمایه را شناسایی کرده و از مجموع آن‌ها مقوله‌ای به نام سرمایه منزلتی را اخذ کند. در نتیجه تمام مقولات مرتبط با این نوع سرمایه فارغ از آن که در ذیل کدام یک از انواع سرمایه آمده‌اند به عنوان جزئی از سرمایه منزلتی در نظر گرفته می‌شود. خوشبختانه در طول اقامت محقق در میدان مطالعه، آشکار شد که شأن و منزلت سالخوردگان به دلیل ارزشمندی سالخوردگان در فرهنگ روستا کاملاً مورد تأکید و توجه بوده و از این بابت می‌توان وضعیت این گروه را مناسب قلمداد کرد.^۱

مرد ۸۳ ساله در این مورد چنین می‌گوید: «بچه‌ام شهید شده، التماسم رو کردن که برم این بنیاد شهید بهم پول بده. دستم رو جلوی هیچکی دراز نمی‌کنم». زن ۸۰ ساله نیز در همین مورد به اهمیت سواد و دانایی در زمینه زیر مقوله مورد نظر اشاره می‌کند: «اونی که سواد داره ارزش و احترامش رو جور دیگه نگه میدارن، برترش میدونن» (سرمایه منزلتی).

بحث و نتیجه‌گیری

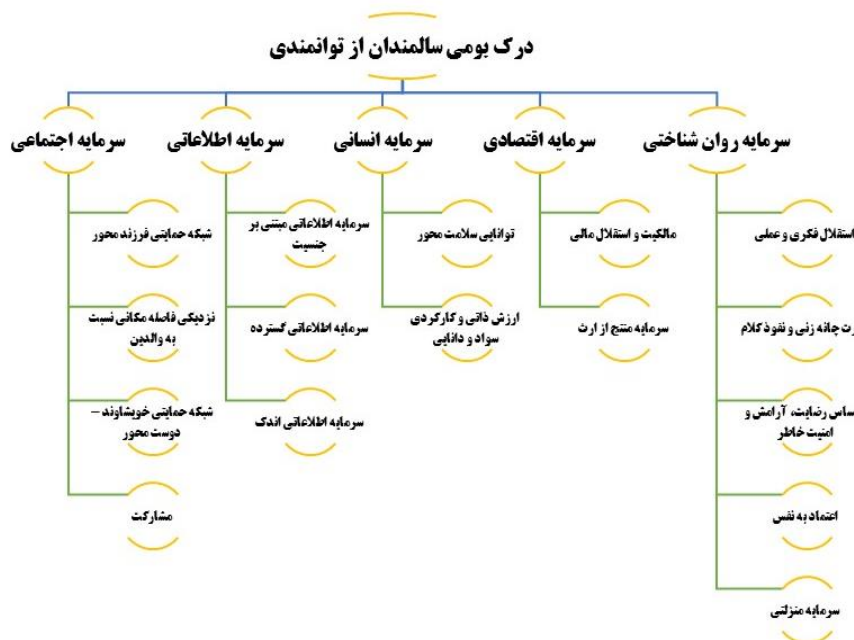
در جدول ۱ تلاش می‌شود خلاصه‌ای از آنچه گفته شد مرور شود.

جدول ۱- عوامل تسهیل‌کننده ارتقای توانمندی

عوامل تسهیل‌کننده ارتقای توانمندی	عوامل تسهیل‌کننده ارتقای توانمندی
ساختار فرصت (باورها، هنجارها و نهادهای رسمی و غیر رسمی موجود)	عاملیت
تقدیرگرایی و کم‌توقعی (احساس رضایت حاصل از آن و مؤثر در سرمایه روانشناختی) آموزه‌های دینی (اهمیت سواد در آموزه-ها؛ تأییدکننده سهم بیش‌تر مردان منتج از قانون ارث و در نتیجه مؤثر بر وضعیت بهتر سالمندان مرد در سرمایه اقتصادی) آموزه‌های فرهنگ روستایی (ارزشمندی سالخورده در فرهنگ روستا) ازدواج درون شبکه‌ای در محیط روستا (مؤثر در حمایت بیش‌تر فرزندان پسر)	سرمایه اطلاعاتی گسترده قوت سلامتی و توانایی انجام کار (سالمندان جوان و زنان) کنترل مرتب وضعیت سلامت (زنان) دارا بودن همسر داشتن سواد و تحصیلات (معنای بومی) مالکیت و استقلال مالی (برای مردان) مشارکت مذهبی استقلال فکری و عملی (عمدتاً سالمندان جوان) شبکه حمایتی فرزند-محور شبکه حمایتی خویشاوند-دوست‌محور مجاورت مکانی خویشاوندی قدرت چانه‌زنی و نفوذ کلام سالمندان احساس رضایت، آرامش و امنیت خاطر به دلیل ساختارهایی چون کم‌توقعی و تقدیرگرایی سرمایه منزلتی بالا

۱. مراسم شب یلدا محقق در میدان مطالعه حضور داشت، نسل جوان به منزل سالخوردگان مراجعه کرده و مراسم را در کنار ایشان سپری کردند. برخی والدین سالخورده خود را به منزل خود بردند تا در کنار آن‌ها یلدا را سپری کنند (مشاهده).

در شکل زیر شبکه مضامین یافته‌های پژوهش قابل مشاهده است:



شکل ۱- شبکه مضامین یافته‌های پژوهش

بدیهی است یکی از مکانیسم‌های ارتقای توانمندی گروه‌های مختلف و از جمله سالمندان، توصیف جامع و کامل از وضعیت فعلی توانمندی آنان و شناسایی محرک‌های تسهیل‌کننده توانمندی این گروه است. با توجه به این موضوع، در مطالعه حاضر این موارد شناسایی و توصیف شده است. همان‌طور که ذکر شد عوامل مؤثر در ارتقای توانمندی سالمندان، عمدتاً حول محور مقولات مرتبط با سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه روانشناختی خلاصه می‌شود. به بیان دیگر سرمایه اقتصادی در درجه بعدی اهمیت قرار می‌گیرد. از آنجا که بسیاری از مقولات سرمایه روانشناختی تحت تأثیر مقولات مرتبط با سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی قرار داشته و در پی آن‌ها ایجاد و تقویت می‌شوند، شاید بتوان اهمیت قوت و برتری این دو نوع از سرمایه را در بحث عاملیت به منظور ارتقای وضعیت توانمندی، نسبت به سایر انواع سرمایه برتر دانست. با این تفسیر می‌توان چنین نتیجه گرفت که تقویت سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی سالمندان روستایی از طریق اقدامات گوناگون (هم در پی اقدامات نهادهای متولی و هم تحت تأثیر الگوهای حمایت خانواده‌محور) اساسی‌ترین مکانیسم جهت توانمندسازی و در پی آن ارتقای توانمندی سالمندان خواهد بود.

در باب وجوه تشابه و افتراق یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعات پیشین چند مورد به صورت خلاصه ذکر می‌شود:

اولین مورد را می‌توان در ارتباط با موضوع شبکه حمایتی اجتماعی مشاهده کرد. همسو با نتایج زائری لطف و امانیان (۱۳۹۱) و محمدی و دیگران (۱۳۹۱) شبکه‌های اجتماعی جزو مهم‌ترین منابع حمایتی سالمندان در نظر گرفته می‌شود؛ اما شبکه‌های حمایتی موجود برای سالمندان روستای حاضر به نسبت شبکه‌های حمایتی نامبرده شده توسط محمدی و دیگران (۱۳۹۱: ۱۳۶) اعم از (متنوع، خویشاوند محور، دوست‌محور و خانواده‌محور) گوناگونی کمتری دارد و در دو نوع شبکه حمایتی خویشاوند- دوست‌محور (ابداع محقق) و شبکه حمایتی فرزندمحور خلاصه می‌شود. همچنین اگر شبکه حمایتی فرزندمحور را نوعی از شبکه حمایتی خانواده محور تلقی نماییم، آنگاه همسو با نظر پهلوان‌زاده و جارالهی (۱۳۹۰) حمایت خانوادگی ناشی از شبکه حمایتی خانواده محور برای روستاییان را باید در وضعیت سلامت روان سالخورده، اساسی و مهم تلقی کنیم. بر همین اساس نظر محمدی و دیگران (۱۳۹۱) مبنی بر تلقی شبکه خانواده‌محور به عنوان شبکه‌ای که کم‌ترین میزان حمایت را دارد، رد می‌شود. اتفاقاً به دلیل اهمیت بسیار زیاد این نوع از شبکه (با نام فرزندمحور در اینجا) می‌بایست آن را دارای بیش‌ترین میزان حمایت برای سالمندان در نظر گرفت. در نتیجه می‌توان شبکه حمایتی اجتماعی را یکی از عوامل بسیار اساسی جهت ارتقای وضعیت توانمندی افراد سالخورده در نظر گرفت. لازم به ذکر است ساختار فرصت در قالب مواردی چون آموزه‌های فرهنگ روستایی به معنای ارزشمندی سالخورده در فرهنگ روستا، عامل تسهیل‌کننده به شمار می‌آید.

یکی دیگر از حیطه‌های قابل بررسی بحث همسایگی قومی است. در این مطالعه یکی از مقولات میان سرمایه‌ای، «احساس رضایت و آرامش معطوف به مجاورت مکانی خویشاوندی» که به طور مشترک میان سرمایه اجتماعی و سرمایه روانشناختی قابل شرح است. زندگی در شبکه خویشاوندی و تعاملات رایج در آن که در ضمن سرمایه اجتماعی جای می‌گیرد، سبب افزایش حس رضایت و آرامش و در نتیجه بهبود وضعیت سرمایه روان‌شناختی افراد سالخورده شده است. این همان بحثی است که در مطالعه والتونن (۲۰۰۲) در باب سالمندان مهاجر نیز دیده می‌شود. همسایگی قومی به عنوان مکانیسمی برای توانمندی سالمندان در نظر گرفته شده، این نتیجه در مطالعه حاضر نیز تأیید شده است.

در ارتباط با زیر مقوله مشارکت نیز می‌توان وجوه تشابه و افتراق متفاوتی را مشاهده کرد. در ابتدا لازم است به اهمیت کم‌تر توانمندی سیاسی و توانمندی حقوقی و فرهنگی در میدان روستایی نسبت به توانمندی اجتماعی، اقتصادی و روانی اشاره کرد (میرزایی، غفاری و کریمی، ۱۳۸۹: ۱۰۲)؛ بنابراین می‌بایست عدم وجود مشارکت رسمی در روستای حاضر را در همین حیطه ارزش‌گذاری و بیان کرد. در نتیجه اگرچه در بین سالمندان روستای حاضر مشارکت رسمی ضعف و فقدان شدیدی دارد، درجه اهمیت آن نسبت به سایر انواع توانمندی پایین‌تر است؛ بنابراین اگرچه فقدان مشارکت رسمی و ضعف در آن یکی از عوامل تضعیف‌کننده توانمندی سالمندان است، اما میزان اهمیت آن برای روستاییان پایین‌تر خواهد بود. در ارتباط با مشارکت غیر رسمی که بیش‌تر در قالب مشارکت مذهبی در بین سالمندان روستای حاضر وجود دارد، به نظر می‌رسد نتیجه به صورت نسبی با دیدگاه لام و همکاران (۲۰۰۹) همسوست. بر اساس نتایج مطالعه ایشان، مشارکت سبب ایجاد حس ارزشمندی در سالمندان شده و در پی آن فرد احترام به خویشتن را کسب می‌کند. همین عامل نیز در مطالعه حاضر تأیید شد؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مشارکت مذهبی یکی از عوامل تسهیل‌کننده توانمندی برای سالمندان است.

در ارتباط با سرمایه اقتصادی نتیجه کسب‌شده کمی با مطالعات پیشین متفاوت است. بر این اساس علاوه بر تفاوت‌هایی که تحت تأثیر ساختار فرصت میان وضعیت زنان و مردان دیده می‌شود، تأثیر وضعیت مالی بر وضعیت سالمندان با برخی از مطالعات متفاوت است. برای مثال مطالعه قورچایی (۱۳۹۱) تأثیر جذب سالمند در خانواده را تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل دانسته که یکی از آن‌ها وضعیت مالی فرد سالمند (دارایی و درآمد وی) است؛ اما در مطالعه حاضر پیوندی میان وضعیت مالی فرد و میزان جذب وی در خانواده دیده نشد و سالمندان فارغ از وضعیت مالی خود به دلیل ارزش‌های موجود میان فرزندان و خانواده خود به میزانی تقریباً یکسان جذب شده‌اند. به نظر می‌رسد در روستای حاضر وضعیت سواد و دانایی، اطلاعات، قدرت چانه‌زنی و نفوذ کلام و سایر موارد مشابه بیش از وضعیت مالی در ماندن فرد در اجتماع اثرگذار است.

در نهایت می‌توان چنین گفت عدم برنامه‌ریزی‌های مناسب برای استفاده حداکثری از حضور و مشارکت مؤثر سالمندان در یک اجتماع محلی، می‌تواند به صورت مشترک سبب ضرر جامعه و سالمندان شود. بر این اساس نیل به توسعه محلی در یک اجتماع و از جمله یک روستا بدون توجه به این گروه، رویکردی ناقص بوده که نمی‌توان انتظار رسیدن به توسعه

محلی ناب و کامل را از آن داشت. بر همین مبنا به منظور داشتن سالمندانی پویا و پر فعالیت می‌بایست سطح توانمندی آنان را در ابعاد گوناگون از طریق برنامه‌های مختلف ارتقا داد و پس از آن شاهد بروز و ظهور مشارکت و حضور چشمگیر آن‌ها در اجتماع شد. لیکن نکته مهم آن است هرگونه برنامه توانمندسازی برای این گروه می‌بایست بر طبق درک و تفسیر آنان از چیستی توانمندی و ویژگی‌ها و ابعاد آن تعریف شود و از اقداماتی خلاف درک و خواست بومی اجتناب شود، چرا که در این صورت نتیجه‌ای جز اتلاف هزینه و زمان و عدم بهره‌وری و کارایی مؤثر را نمی‌توان انتظار داشت.

منابع

- پهلوان‌زاده، فرهاد و جاراللهی، عذرا (۱۳۹۰). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر سلامت روان سالمندان روستایی. *توسعه روستایی*، دوره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، شماره ۱، صص: ۶۵-۸۴.
- جعفری، اصغر و حسامپور، فاطمه (۱۳۹۶)؛ پیش بینی رضایت از زندگی بر اساس ابعاد هوش معنوی و سرمایه روان‌شناختی در سالمندان، *مجله سالمندی ایران*، ۱۳۹۶؛ دوره ۱۲، شماره ۱، صص: ۹۰-۱۰۳.
- جویک، امیلی و مک مولین، جولی (۱۳۹۴). *یادگیری و سالمندی*، در سترستن. ریچارد و آنجل، ژاکلین (ویراستاران): دست‌نامه جامعه‌شناسی سالمندی نهادهای اجتماعی، ترجمه مجتبی امیری و مرجان صفاری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زائری لطف، حسن و امانیان، ابوالفضل (۱۳۹۱). بررسی تأثیر شبکه‌های حمایت اجتماعی بر کیفیت زندگی سالمندان در تهران. *فصلنامه مددکاران اجتماعی متخصص*، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱، صص: ۱۱۱-۱۳۴.
- عارفی، مهیار و تولایی، نوین (۱۳۸۰). به سوی رویکرد دارایی - مبنا برای توسعه اجتماع محلی. *هنرهای زیبا*، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۰، صص: ۲۲-۳۳.
- علی‌پور، فردین، سجادی، حمیرا، فروزان، آمنه و بیگلریان، اکبر (۱۳۸۸). نقش حمایت‌های اجتماعی در کیفیت زندگی سالمندان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۸۸، صص: ۱۴۷-۱۶۶.
- فرضی زاده، زهرا، متوسلی، محمود و طالب، مهدی (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی، درک بومی از آن، عوامل مؤثر بر رشد آن و موانع در جامعه زنان روستایی. *توسعه روستایی*، دوره پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص: ۱-۴۰.
- فلیک، اووه (۱۳۹۲). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه: هادی جلیلی، نشر نی، تهران، چاپ ششم.

قورچایی، جلال‌الدین (۱۳۹۱). نقش عوامل جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی بر میزان جذب و پذیرش سالمندان در خانواده (مورد مطالعه: سالمندان شهرستان گنبد کاوس در سال ۱۳۹۰). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. کوششی، مجید (۱۳۸۷). ترتیبات زندگی و سلامت سالخوردگان در بستر گذار جمعیتی (مطالعه‌ای در شهر تهران). رساله دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. محمدپور، احمد (۱۳۸۶). بازسازی معنایی پیامدهای نوسازی در منطقه اورامان کردستان ایران. رساله دکتری جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی دانشگاه شیراز. محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱؛ انتشارات جامعه‌شناسان، تهران، چاپ دوم. محمدی، الهام، فکرآزاد، حسین و سجادی، حمیرا (۱۳۹۱). گونه‌شناسی شبکه اجتماعی و حمایت اجتماعی در سالمندان. فصلنامه مددکاران اجتماعی متخصص، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۱، صص: ۱۳۵-۱۵۸.

مرکز آمار ایران / www.amar.org.ir

میرزایی، حسین، غفاری، غلامرضا و کریمی، علیرضا (۱۳۸۹). توانمندسازی، صنعتی شدن و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان قروه). پژوهش‌های روستایی، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹، صص: ۹۹-۱۲۸. میرزایی، محمد و شمس قهفرخی، مهری (۱۳۸۶). جمعیت‌شناسی سالمندان در ایران بر اساس سرشماری‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵. مجله سالمند (مجله سالمندی ایران)، سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۸۶، صص: ۳۲۶-۳۳۱. یزدانپور، فاطمه و سام آرام، عزت اله (۱۳۹۰). عوامل مرتبط با کیفیت زندگی سالمندان- سالمندان شهرستان خمین. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، بهار ۱۳۹۰، شماره ۶، صص: ۴۵-۶۴.

- Alsop, Ruth, Bertelsen, Mette and Holland, Jeremy (2006). *Empowerment in Practice from Analysis to Implementation*, The WorldBank.
- Armadans Immaculada, Codina, Nuria and Pestana, Jose V (2014). Empowering Senior Citizens in Leisure Setting Through Mediation: Becoming a Mediator, *Educational Gerontology*, 0: 1-10.
- Blood, Imogen (2010). Older people with high support needs: how can we empower them to enjoy a better life. *JOSEPH ROWNTREE FOUNDATION*, PP: 1-16.
- Braun, Virginia and Victoria Clarke (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, Volume 3, -Number 2, pp: 77-101.
- Fenge, Lee-Ann (2001). Empowerment and community care- projecting the voice of older people. *Journal of Social Welfare and Family Law*. 23(4), 2001, pp: 427-439.
- Ginsberg, Barbara R. (2001). *How Education Empowers Older Adults*. Activities, Adaptation & Aging, 25:1, pp: 1-11.
- Kump, Sonja and Krasovec, Sabina Jelenc (2007). Education: a possibility for empowering older adults. *International Journal of Lifelong Education*, Vol. 26, No. 6, pp: 635-649.
- Lam, Kam Lee, Lai, Sau and Lee, Teresa (2009). *Elderly Participation and Empowerment: Experiences of SAGE*; APIAS Monograph, Paper 21, pp: 1-16, Visible on www.commonsonline.edu.hk/apiasmp/21
- Ma, Yuk Ha and Lo, Siu Ching (2006). Elderly Volunteering as Empowerment; AGENCY FOR VOLUNTEER SERVICE, PP: 1- 10.

- Nurshima, Miya (2004). A Gaggle of raging grannies: the empowerment of elder Canadian women through social activism. *International Journal of LIFELONG EDUCATION*, Vol.23, No.1, pp: 23-42.
- Paswan, Suneeta, Punia, Shakunta and Bald, Shanti (2005). Empowerment of Senior Citizens for Retired Life. *Journal of Social Sciences*, 11(3), pp: 255-256.
- Taylor, Sam (2006). A new approach to empowering older people's forums: Identifying barriers to encourage participation, practice. *Social Work in Action*, Volume 18, NO. 2, pp:117-128.
- Uyen, Nguyen Thi Tung, Thang, Henry Ngun Ceu and Azman, Azlinda (2013). The Empowerment of Elderly People in South East Asia: The Social Responsibility of the Young Generation in the Region. *Sociology Study*, February 2013, Volume 3, Number 2, pp: 96- 103.
- Valtonen, Kathleen (2002). The ethnic neighbourhood: A Locus of empowerment for elderly immigrants. *International Social Work*, 45(3): 315-323.